

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

در آیه شریفه «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ» در جلسات قبل راجع به کلمه «يُدْنِينَ» نکاتی را عرض کردیم.

بحث عمده در این آیه شریفه راجع به کلمه «جَلَابِيب» است که جلابیب جمع برای جلاباب است، مراد این است که زنها جلاباب را آویزان کنند و یا بپوشانند. کلمه «یدنین» بمعنای یرخین یا یتسترن یا یغطین شد، حالا مراد از جلابیب که جمع جلاباب است چیست؟

مراحل بحث پیرامون کلمه «جلاباب»

با ید دقت کنیم و ببینیم که در کتب لغت «جلاباب» را چگونه معنی کرده اند! و بعد از اینکه بررسی لغوی، ببینیم جلاباب را مفسرین چطور معنی کرده اند و در نهایت ببینیم آیا يك معنای روشنی را می‌توانیم برای «جلاباب» ذکر کنیم یا خیر! و اگر احياناً نتوانستیم يك معنای روشنی را برای جلاباب بیان کنیم در این صورت چکار باید کرد، آیا باید بگوییم آیه شریفه اجمال دارد! یا اینکه راه دیگری وجود دارد! و نکته دیگر اینکه آیا ما می‌توانیم ملتزم بشویم و بگوییم که: «جلاباب كل امرأة بحسبها فی زمانها» جلاباب در دوره صدر اسلام يك نوعی بوده اما جلاباب در زمان ما يك نوع دیگری است؛ و اساساً آیا ما می‌توانیم این را بگوییم! حالا روشن می‌کنیم هم از کتب لغت و هم از کتب مفسرین و از فرهنگ‌های که برای لغات قرآن ذکر شده است و هم فرهنگ‌های لغتی که بصورت کلی هست که اصلاً استفاده می‌شود جلاباب همان چادر است؛ و اینکه گفته می‌شود اسمی از چادر در ادله وجود ندارد، این حرف درستی نیست. ما ان شاء الله به این نتیجه می‌رسیم که جلاباب مراد چادر است، همین چادری که زنهاي مؤمن از آن استفاده می‌کنند. اما حالا اگر قائلی بگويد جلاباب در آن زمان چادر بوده اما جلاباب در زمان ما مثلاً همین مانتوهای است که این زنها استفاده می‌کنند اساساً این حرف درست است یا نه؟ ما قبل از اینکه وارد بحث لغوی بشویم نکته ی را من يك مقداری روشن کنم و آن نکته این است که ما در سایر موارد می‌گوییم که قرآن يك عنوان کلی را فرموده است ممکن است مصادیقش در زمان‌های مختلف فرق کند، مثلاً قرآن فرموده: «احل الله البيع» این بیع در زمان صدر اسلام بین اعراب به صیغه عربی بوده اما جاهای دیگر به صیغه غیر عربی، جاهای دیگر بدون لفظ بود، الان در زمان ما بیع به کتابت از همه مرسوم‌تر است این «احل الله البيع» عموم و اطلاقش همه انواع بیع را شامل می‌شود اما بر همه اینها بیع صدق می‌کند. حالا اگر يك کسی بگوید در صدر اسلام جلاباب بمعنای چادر بوده اما چادر مصداق او بوده یعنی بگوییم جلاباب یعنی پوشش، پوشش در آن زمان بنحو چادر بوده اما در زمان ما به يك نحو دیگری است، آیا می‌توانیم این مطلب را ملتزم بشویم، می‌توانیم بگوییم این حرف صحیحی است! روشن است که این حرف حرف باطلی است! ما وقتی که در مورد بیع می‌گوییم بيعة مفهوم کلی است و يك مفهومی است که عند العقلا هم مفهوماً روشن است اما مصداقش ممکن است مصادیق مختلف باشد اگر ما راجع به

جلباب گفتم مفهوم و مصداقش تماماً در زمان نزول آیه شریفه این بوده دیگر نمی‌توانیم این را تطبیق کنیم بر مورد دیگر؛ کما اینکه فرض کنید در باب «اقیموا الصلاة» نمی‌توانیم بگوییم حالا نماز در صدر اسلام به يك نحوی است، بعد ممکن است انسان به يك نحو دیگری خدا را عبادت کند، پس صلاة شاملش می‌شود. این جلباب يك مفهوم معین و مصداق معین خاص داشته، در صدر اسلام این آیه که نازل شده است جلباب يك مفهوم کلی قابل انطباق بر مصادیق نبوده، در همان صدر اسلام وقتی «احل الله البيع» نازل شد بيع يك مفهوم کلی است اما مفهوم کلی که مصداق معین نداشته، شاید در همان زمان در میان اعراب جاهلیت هم مصادیق متعددی برای بيع بوده است، همین که در مکاسب ملاحظه فرمودید، بيع ملامسه، بيع منابذة شارع آمد اینها را استثناء کرد. اما جلباب در زمان نزول آیه شریفه هم مفهوماً و هم مصداقاً معین بوده، منتها ما باید ببینیم که در آن زمان مصداق جلباب چه بوده.

بنابر این، نمی‌شود گفت که جلباب يك مفهوم کلی دارد حالا اگر کسی در ذهنش بیاید جلباب یعنی پوشش، پوشش در هر زمانی بحسب خودش، نه جلباب پوشش خاص بوده، نه مطلق پوشش، يك مفهوم کلی را شارع نگفته و بگوید حالا مصادیقش به اختیار خودتان، در «احل الله البيع» يك مفهوم کلی آمده و مصادیقش را در اختیار عقلا و مردم قرار داده است، بعضی از مصادیقش را بعداً آمده استثناء کرده است اما در جلباب از اول مفهوماً و مصداقاً در زمان نزول آیه شریفه معین بوده است. منتها ما باید دنبال کنیم حالا که جلباب معین بوده چه بوده! پس این نکته نکته مهمی است؛ ممکن است در کلمات بعضی از افرادی که اهل دقت نیستند آمده باشد که جلباب را می‌گویند در آن زمان ممکن است چادر بوده در این زمان معنا کنیم به مانتو؛ متأسفانه قلمشان به همین هم رسیده است يك مطلبی است که غیر محققانه است و پایه علمی ندارد و خیلی مطلب روشنی هم هست، حالا ترتیب بحث را خوب دقت کنید ما چگونه وارد می‌شویم. در تفاسیری که الان هم موجود است بعضی‌ها این دقت‌ها را کرده‌اند، آمده‌اند احتمالاتی را که در لغت هست مطرح کرده‌اند، اما برخی نه، در تفاسیر اهل سنت اصلاً همینطور خیلی واضح گرفته‌اند و رد شده‌اند، شما تفسیر فی ظلال القرآن را ببینید! هیچکدام یکی از این نکاتی را که الان ما می‌خواهیم بیان کنیم در آن مطرح نشده است ما اول باید از نظر لغوی مراجعه کنیم به لغت ببینیم از لغت چه بدست می‌آید، از لغت يك معنا برای جلباب بدست می‌آید یا اینکه جلباب مشترك لفظی است بین معانی متعدد؛ یا مشترك معنوی است و مصادیق متعدد دارد کدام یکی از اینها از کتاب لغت استفاده می‌شود! ببینید! وقتی که در يك کلمه‌ای معانی مختلف باشد، اول چیزی که برای مفسر لازم است این که اگر از میان این معانی هیچکدام رجحان ابتدایی نداشت، ببیند آیا يك روایت معتبری در مورد آن آیه نازل شده است یا نه؟ از قرائن داخلیه آیه یا روایتی که در ذیل آیه آمده است بخواهد پی ببرد به اینکه این معنا چیست

بحث لغوی

1 - مقایس فی اللغة در کتاب معجم مقاییس فی اللغة نوشته: «جَلَبَ (ج - ل - ب) اصلاً - یعنی دو معنا دارد - احدهما الاتیان بالشئ من موضع الی موضع - يك چیزی را از يك محلی به محل دیگر آوردن است، همین که الان در اصطلاح هم معروف است می‌گویند فلانی را جلب کردند، یعنی از يك جای به يك جای دیگر او را آورده‌اند - و الاخر - معنای دوم - شئ یغشی شیئاً - جَلَبَ به این معنا می‌آید که يك چیزی چیز دیگری را بپوشاند - و من هذا اشتقاق الجلباب» جلباب هم از این معنای دوم اشتقاق پیدا کرده است.

2 - صحاح اللغة

وقتی به کتاب صحاح اللغة ی جوهری مراجعه می‌کنیم در جلد اول در صفحه 101 می‌گوید: «الجلباب الملحفة» در معجم مقاییس فی اللغة يك معنای کلی گفت.

(اینها را خوب دقت کنید چون بعداً با اینها کار داریم) «جلباب شئ یغشی شیئاً» این يك معنای کلی است، هر چیزی که

بمعنای پوشش بیاید، روسری پوشش است، مقنعه پوشش است، پیراهن پوشش است (طبق آن معنای که در معجم المقاییس آمده) پیراهنی که انسان می‌پوشد شیء یغشی شیئاً این هم می‌شود پوشش، اما در کتاب الصحاح آورده روی پوشش خاص، می‌گوید جلبابی یعنی ملحفة - و المصدر الجلبب، جلبب یجلبب جلباباً - آن وقت ملحفة چیست؟ ملحفة از همان لحاف است، همانی را که عرفاً می‌گوییم لحاف، صحیح لغوی اش لحاف است، لحاف اسمف یلتحف به و کل شیء تغطیت به، فقد التحف به - هر چیزی را که تو خودت را با او بپوشانی این را می‌گویند لحاف، ملحفة چیزی است که انسان خودش را با او می‌پوشاند، منتها باز در اینجا هم دارد التحفت بالثوب ای تغطیت به با ثوب خودم را پوشاندم، در این کتاب صحاح جلباب را می‌آورد روی ملحفة و لحاف و پوشش، حالا باز یا بگویم با ثوب یا يك پوششی که يك مقدار وسیعتر از ثوب باشد.

3- لسان العرب

در کتاب لسان العرب احتمالات زیادی در معنای لغوی جلباب است ذکر کرده‌اند، اولین احتمال: جلباب یعنی قمیص همان پیراهن، بعد فرموده: «و الجلباب ثوب اوسع من الخمار و دون الرداء»

جلباب يك ثوبی است که بزرگتر از خمار است، خمار به همان معنای مقنعه است، اما کمتر است از رداء، یعنی يك لباسی است که مثلاً تازانوها را بگیرد به این می‌گویند جلباب، رداء همانی که در ثوب للاحرام می‌گویند رداء همه بدن را می‌گیرد از رداء يك مقدار کوتاهتر است آن وقت می‌گوید: «و الجلباب ثوب اوسع من الخمار دون الرداء تغطی به المرأة رأسها و صدرها» زن با او رأس و صدرش را بپوشاند، تا همین اندازه یعنی مثل آن مقنعه يك مقدار از مقنعه بزرگتر، مقنعه فقط سر را می‌پوشاند بگویم جلباب علاوه بر اینکه سر را می‌پوشاند سینه را هم بپوشاند.

احتمال دوم: «قيل هو الثوب الواسع دون الملحفة - بعضی‌ها هم گفته‌اند يك لباسی است که وسیعتر از خمار است اما کمتر از لحاف است - تلبسه المرأة». احتمال سوم: «و قيل هو الملحفة - گفته‌اند جلباب بمعنای ملحفة است - و قيل هو ما تغطي بها المرأة الثياب من فوق كالمحفة» که این باز همان معنای قبلی است، معنای احتمال چهارم: «قيل هو الخمار» گفته‌اند جلباب همان مقنعه است. همان مقنعه‌ای که زنها سر می‌کنند بعنوان قناع عبارت از همان جلباب است. در لسان العرب می‌گوید: «قال ابن السكيت قالت العامرية الجلباب الخمار و قيل الجلباب المرأة ملائتها التي تشتمل بها و واحدا جلباب» این طبق آنچه که در لسان العرب آمده است، البته باز در دنباله‌اش هم يك شاهدها و يك تعابیری که این جلباب در او استعمال شده است ذکر می‌کنند. حالا ما اگر بخواهیم بحسب آنچه که در کتب لغت آمده دسته بندی کنیم و بگویم که مراد از جلباب چیست! باید اینطور بگویم: احتمال اول که در بسیاری از کتاب‌های لغت هم ذکر شده است، همین است که جلباب بمعنای ملحفة است، ملحفة آنی است که تمام بدن را شامل می‌شود، لحاف آنی است که انسان موقع نوم استفاده می‌کند و تمام بدن را می‌گیرد برای اینکه انسان از سرما محفوظ بماند. ملحفة يك چیزی نیست که از سینه به پایین باشد، یا فقط سر را بخواهد شامل بشود، تمام بدن را شامل می‌شود، آنچه که در صحاح اللغة جوهری آمده است که کتاب بسیار محکمی است در علم لغت و لسان العرب هم نقل می‌کند که ما بگویم عبارت است از ملحفة، در نتیجه احتمال اول در معنای جلباب این است که جلباب يك ثوبی است که تمام بدن زن را می‌پوشاند، سر را می‌پوشاند صورت را می‌پوشاند، سینه را می‌پوشاند من فوق الى الاسفل، تا پایین تمام بدن را می‌پوشاند.

4- مقامات حریری

ما وقتی به این فرهنگ‌های لغت مراجعه می‌کنیم در کتاب مقامات حریری که کتاب بسیار مهمی است و لغات مهمی هم دارد، آن وقت يك کتابی نوشته‌اند فرهنگ لغات مقامات حریری، آنجا به واژه جلباب که می‌رسد، می‌گوید: جلباب چادر است، تن پوش رویی است بدون آستین، گشاد است محیط بر تمام اجزاء بدن زن هست. آن وقت می‌گوید این جلباب همین چادری است که زنها دارند و عرب به او می‌گوید ملحف یا ملحفة و در ادامه اش هم آورده است که یدنین علیهن من جلابیهن که در قرآن

آمده است مراد همین تن پوش رویی است که عبارت از چادر باشد پس طبق این احتمال جلباب یعنی همان چادر است که همه بدن را می پوشاند. احتمال دوم يك درجه پایینتر از این است، بگوییم جلباب يك لباسی بوده از مقنعه بزرگتر و از رداء کمتر بوده تا زانوی افراد را می پوشانده، سر و صورت را می پوشانده و تا زانو يك مقدار از رداء کمتر بوده.

5- مصباح المنیر فیومی

« جلباب ثوب اوسع من الخمار و دون الرداء » از مقنعه بزرگتر است اما از رداء کمتر است ، نتیجه این می شود این روسری های بزرگی که امروز در بعضی از کشورهای عربی هست که تا نزديك زانوها را می پوشاند بگوییم این عبارت از جلباب است. احتمال سوم: هم از کتاب لسان العرب استفاده می شود، بگوییم جلباب همان مقنعه و خمار است، خمار و مقنعه فقط سر و صورت حالا يك مقداری از گردن را هم می پوشاند بگوییم خمار همین است، جلباب همین خمار است. راغب در مفردات خودش این جلباب را به همین معنی گرفته است. پس معنای سوم از معنای دوم محدودتر شد که بگوییم جلباب عبارت از همین خمار است که هم در لسان العرب و هم در بعضی از کتب دیگر به آن اشاره شده است. احتمال چهارم: در بعضی از کتب لغوی جلباب را بمعنای قمیص هم معنا کرده اند، عرب به لباس بلند می گوید قمیص این چیزهای که شبیه دشدشه است عرب می گوید قمیص این پیراهنی که در بین جوان های ما رایج است پیراهن کوتاه، عرب به اینها قمیص نمی گوید، قمیص آن لباس بلند است.

6- القاموس المحيط فیروز آبادی (جلد اول، صفحه 173) می گوید: «الجلباب القمیص و الثوب واسع للمرأة دون الملحفة» کمتر از ملحفة است.

7 – روح المعانی آلوسی در روح المعانی (جلد 22، صفحه 82) می گوید: «و الجلابیب جمع جلباب و هو علی ما روی عن ابن عباس الذی یستر من فوق الی اسفل. و قال ابن جبیر المقنعة و قیل الملحفة و قیل کل ثوب تلبسه المرأة فوق ثیابها». معنای پنجمی که می خواهیم برای جلباب بگوییم این است: جلباب آن لباس رویی که فوق ثیاب است، یعنی حتماً این خصوصیت دارد که زن باید لباسی را پوشیده باشد آن لباس «کل ثوب تلبسه المرأة فوق ثیابها» آن وقت با آن معنای که در مقایسه فی اللغة آمد - «شیء یغشی شیئاً» این معنایش همین است؛ بگوییم جلباب حتی اگر زن بدون لباس لخت و عریان بیاید يك پارچه ی را روی خودش بیندازد این جلباب نیست. باید این حتماً روی يك پیراهن دیگر باشد، روی يك لباس دیگر باشد، این که گاهی اوقات تعبیر هم می کنند به تن پوش رویی، حالا این تن پوش رویی مطلق است همه بدن را بگیرد بعضی از بدن را می خواهد بگیرد، روی این معنا که ما بگوییم که «کل شیء یغشی شیئاً - یا - کل ثوب تلبسه المرأة فوق ثیابها» طبق این معنی پالتو را شامل می شود، مانتو را هم شامل می شود. پس ما مجموعاً برای جلباب پنج احتمال و پنج معنی ذکر کردیم.

استعمال جلباب در روایات

حالا برویم سراغ سایر استعمالات، تا اینجا پنج معنی برای جلباب ذکر شد، حالا باید ببینیم در میان این معانی کدام معنی را اکثر لغویین ذکر کرده اند، کدام معنی قرینه روشنی برایش وجود دارد، و برای رسیدن به این نکته اگر برویم موارد استعمال جلباب را در روایات، در استعمالات، در کلمات نهج البلاغه و در کلمات شعرا بررسی کنیم آن وقت میتوانیم به این نتیجه برسیم که جلباب آن پوشش کامل است یعنی همان معنای اول که عبارت از چادر باشد. در کتاب بحار الانوار مجموعاً کلمه جلباب و جلابیب حدود 60 بار استعمال شده است. این تعبیر را در لسان العرب هم از امیر المؤمنین (ع) نقل می کند که حضرت فرمود: «من احبنا اهل البيت فلیستعد (در بعضی از نقلها دارد) یا فلیعد (آماده کند) للفقر جلباباً» کسی که دوستان ما اهل بیت هست برای فقر يك جلبابی را آماده کند، این یعنی چه؟ یعنی بگوییم که پوششی از فقر را برای خودش قرار بدهد! یا بگوییم اگر فقری دارد فقر خودش را بپوشاند، اظهار نکند فقرش را به دیگری! علی ای حال هر معنای بکنیم جلباب یعنی يك پوشش کامل، یا فقر را بعنوان پوشش قرار بدهد، یا این که فقر خودش را بپوشاند - فلیعد للفقر جلباباً. در بعضی از تعابیر هست «من الی جلباب

الحياء عن وجه فلا غيبة له» (در جلد 75 بحار صفحه 233) کسی که جلباب حياء را کنار گذاشت، يعنى پوشش حيا در وجود او نيست، اين- فلا غيبة له - آيا جلباب اختصاص به زنها دارد! يا اينكه جلباب يك چيزى بوده كه در مردها هم بوده كه از بعضى از روايات هم استفاده مى‌شود، در اين كلمه مقدارى دقت كنيد تا نتيجه‌اش را فردا عرض كنيم.

وصلی الله على محمد و آله الطاهرين.